

نظیر تلویزیون‌های ماهواره‌ای و شبکه جهانی اینترنت و نظایر آنها، بدون سانسور – حق استفاده از ابزار و تجهیزات الکترونیکی، صوتی، تصویری و ضبط و ثبت اطلاعات و اخبار مربوط به رویدادهای عمومی.

– حق حضور در میدان‌های خیبری (محل وقوع سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه، بی‌نظمی‌های عمومی، حالت‌های فوق‌العاده، جلسات عمومی و گردهم‌آیی‌ها، تظاهرات و...) و دسترسی آزاد به کانون‌های اخبار در جهت انجام وظیفه.

– حق برخورداری از امنیت حرفه‌ای در حین انجام وظیفه روزنامه‌نگاری و ضرورت به رسمیت شناخته شدن حق فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگار توسط کلیه نهادهای حکومتی و غیرحکومتی، به‌منظور برآورده شدن این حکم صریح قانونی: «هیچ‌کس حق ندارد در صورت اعمال سانسور، تطمیع یا تهدید روزنامه‌نگاران برآید یا در برابر فعالیت حرفه‌ای‌شان محدودیت ایجاد یا با انجام آن مخالفت کند یا حیثیت و شرافت حرفه‌ای آنان را نادیده بگیرد و با اعمال خشونت و تهدید، سلامتی و ایمنی روزنامه‌نگاران را در معرض مخاطره قرار دهد.»

– حق شکایت از اعمال فشار سیاسی یا حرفه‌ای

– حق انتشار مطالب خود با امضای شخصی یا با نام مستعار یا بدون امضا.

– حق تشکیل و عضویت در تشکل‌های صنفی داخلی در موسسه رسانه‌ای متبوع.

– حق برخورداری از قراردادهای معتبر که ضامن حقوق مادی و معنوی او باشد.

– حق مذاکره دسته‌جمعی و دخالت در تنظیم قراردادها.

– حق برخورداری از بیمه‌های عادی و تکمیلی و بیمه‌های حوادث ناشی از کار.

– حق به‌رسمیت شناخته شدن شغل روزنامه‌نگاری به‌عنوان شغل سخت و زیان‌آور و قائل شدن شرایط ویژه بازنستستگی و کارافتادگی زودرس.

– حق دفاع از منافع جمعی روزنامه‌نگاران از طریق عضویت در انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و حق شرکت مستقل (فردی یا جمعی) در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی مرتبط با کار روزنامه‌نگاران

– حق برخورداری از آموزش‌های تخصصی و بازآموزی حرفه‌ای و شرکت در هرگونه دوره آموزشی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که به ارتقا و پیشرفت سطح کیفی فعالیت روزنامه‌نگاری کمک می‌کند.

### اصول حاکم بر مسئولیت‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

روزنامه‌نگاران باید در فعالیت‌های روزنامه‌نگاری از دست‌زدن به کارها یا انجام فعالیت‌های مغایر با شأن و وظیفه و رسالت روزنامه‌نگاری بپرهیزند و به الزامات و مسئولیت‌های حرفه‌ای خود، طبق اصول کلی اخلاق و شرافت حرفه‌ای‌شان که در همه ميثاق‌های اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران مشترک و مندرج است، پای‌بند بمانند.

اهم این اصول عبارت‌اند از:

- ۱- رعایت راستی و درستی و حقیقت‌جویی
- ۲- عایت عینیت و انطباق داشتن با واقعیت و عدم تحریف حقایق
- ۳- رعایت بی‌طرفی و رازداری
- ۴- رعایت انصاف و عدالت و شرافت حرفه‌ای
- ۵- رعایت منافع و مصالح عمومی، قبول مسئولیت و پاسخگویی به افکار عمومی
- ۶- رعایت حق پاسخگویی برای افرادی که خبر، گزارش یا مطلبی درباره‌شان نوشته می‌شود
- ۷- خودداری از واردآوردن لطمه یا صدمه جانی، مالی یا حیثیتی (افترا، تهمت، هتک حرمت) به احدی از آحاد جامعه و مقابله با ترویج هرگونه تبعیض ناروا
- ۸- خودداری از سرقت نوشته‌ها یا مطالب دیگران
- ۹- خودداری از قبول هرگونه هدیه، وجه نقد یا غیر آن که به قصد تأثیرگذارن بر نحوه انعکاس به‌گمان ما هر سندی که در ارتباط با حقوق و مسئولیت‌های روزنامه‌نگاران تنظیم و تدوین شود و اصول و حقوق مذکور در فوق در آن مغفول و مجهول مانده باشد، و نیازها و الزامات روزنامه‌نگاری امروز ما مغایرت داشته و اگر مشکلی بر مشکلات روزنامه‌نگار نیفزاید، قطعاً مشکلی از مشکلات او را رفع و حل نخواهد کرد.

توسط مقامات دولتی یا غیردولتی برای انتشار یا جلوگیری از انتشار اخبار و سایر مطالب – حق برخورداری از رسیدگی به هرگونه اتهام حرفه‌ای روزنامه‌نگار در محاکم دادگستری براساس نص صریح اصل یکصدوشصت‌وهشتم قانون اساسی.

– حق برخورداری از ابزار آزادانه عقیده و انتشار آن و پرهیز از هر آنچه خلاف اعتقادات و وجدان حرفه‌ای او است.

– حق اعتراض به هرگونه تبعیض نژادی، جنسیتی، قومی و مذهبی که مانع انجام وظایف حرفه‌ای روزنامه‌نگار شود.

– حق اجتناب از عمل به شیوه‌های مغایر با اصول استقلال و اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و خودداری موقت علنی و آشکار از کسب یا انتشار اخبار به‌صورت موردی یا کلی.

– حق اطلاع یافتن از آن دسته از تصمیمات مدیران و مسئولان موسسه‌های رسانه‌ای متبوع که بر زندگی حرفه‌ای و امنیت شغلی روزنامه‌نگار تأثیر مستقیم دارد (نظیر تعطیل یا فسخ موسسه، تغییر ترکیب اعضای تحریریه، استخدام، اخراج، انتقال یا ارتقای اعضای تحریریه).

– حق اطلاع یافتن از نحوه انتشار مطلب به‌طوری‌که با مسئولیت‌های قانونی روزنامه‌نگار تناسب داشته باشد.

– حق انتشار مطالب خود با امضای شخصی یا با نام مستعار یا بدون امضا.

– حق تشکیل و عضویت در تشکل‌های صنفی داخلی در موسسه رسانه‌ای متبوع.

– حق برخورداری از قراردادهای معتبر که ضامن حقوق مادی و معنوی او باشد.

– حق مذاکره دسته‌جمعی و دخالت در تنظیم قراردادها.

– حق برخورداری از بیمه‌های عادی و تکمیلی و بیمه‌های حوادث ناشی از کار.

– حق به‌رسمیت شناخته شدن شغل روزنامه‌نگاری به‌عنوان شغل سخت و زیان‌آور و قائل شدن شرایط ویژه بازنستستگی و کارافتادگی زودرس.

– حق دفاع از منافع جمعی روزنامه‌نگاران از طریق عضویت در انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و حق شرکت مستقل (فردی یا جمعی) در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی مرتبط با کار روزنامه‌نگاران

– حق برخورداری از آموزش‌های تخصصی و بازآموزی حرفه‌ای و شرکت در هرگونه دوره آموزشی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که به ارتقا و پیشرفت سطح کیفی فعالیت روزنامه‌نگاری کمک می‌کند.

### اصول حاکم بر مسئولیت‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

روزنامه‌نگاران باید در فعالیت‌های روزنامه‌نگاری از دست‌زدن به کارها یا انجام فعالیت‌های مغایر با شأن و وظیفه و رسالت روزنامه‌نگاری بپرهیزند و به الزامات و مسئولیت‌های حرفه‌ای خود، طبق اصول کلی اخلاق و شرافت حرفه‌ای‌شان که در همه ميثاق‌های اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران مشترک و مندرج است، پای‌بند بمانند.

اهم این اصول عبارت‌اند از:

- ۱- رعایت راستی و درستی و حقیقت‌جویی
- ۲- عایت عینیت و انطباق داشتن با واقعیت و عدم تحریف حقایق
- ۳- رعایت بی‌طرفی و رازداری
- ۴- رعایت انصاف و عدالت و شرافت حرفه‌ای
- ۵- رعایت منافع و مصالح عمومی، قبول مسئولیت و پاسخگویی به افکار عمومی
- ۶- رعایت حق پاسخگویی برای افرادی که خبر، گزارش یا مطلبی درباره‌شان نوشته می‌شود
- ۷- خودداری از واردآوردن لطمه یا صدمه جانی، مالی یا حیثیتی (افترا، تهمت، هتک حرمت) به احدی از آحاد جامعه و مقابله با ترویج هرگونه تبعیض ناروا
- ۸- خودداری از سرقت نوشته‌ها یا مطالب دیگران
- ۹- خودداری از قبول هرگونه هدیه، وجه نقد یا غیر آن که به قصد تأثیرگذارن بر نحوه انعکاس به‌گمان ما هر سندی که در ارتباط با حقوق و مسئولیت‌های روزنامه‌نگاران تنظیم و تدوین شود و اصول و حقوق مذکور در فوق در آن مغفول و مجهول مانده باشد، و نیازها و الزامات روزنامه‌نگاری امروز ما مغایرت داشته و اگر مشکلی بر مشکلات روزنامه‌نگار نیفزاید، قطعاً مشکلی از مشکلات او را رفع و حل نخواهد کرد.

توسط مقامات دولتی یا غیردولتی برای انتشار یا جلوگیری از انتشار اخبار و سایر مطالب – حق برخورداری از رسیدگی به هرگونه اتهام حرفه‌ای روزنامه‌نگار در محاکم دادگستری براساس نص صریح اصل یکصدوشصت‌وهشتم قانون اساسی.

– حق برخورداری از ابزار آزادانه عقیده و انتشار آن و پرهیز از هر آنچه خلاف اعتقادات و وجدان حرفه‌ای او است.

– حق اعتراض به هرگونه تبعیض نژادی، جنسیتی، قومی و مذهبی که مانع انجام وظایف حرفه‌ای روزنامه‌نگار شود.

– حق اجتناب از عمل به شیوه‌های مغایر با اصول استقلال و اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و خودداری موقت علنی و آشکار از کسب یا انتشار اخبار به‌صورت موردی یا کلی.

– حق اطلاع یافتن از آن دسته از تصمیمات مدیران و مسئولان موسسه‌های رسانه‌ای متبوع که بر زندگی حرفه‌ای و امنیت شغلی روزنامه‌نگار تأثیر مستقیم دارد (نظیر تعطیل یا فسخ موسسه، تغییر ترکیب اعضای تحریریه، استخدام، اخراج، انتقال یا ارتقای اعضای تحریریه).

– حق اطلاع یافتن از نحوه انتشار مطلب به‌طوری‌که با مسئولیت‌های قانونی روزنامه‌نگار تناسب داشته باشد.

– حق انتشار مطالب خود با امضای شخصی یا با نام مستعار یا بدون امضا.

– حق تشکیل و عضویت در تشکل‌های صنفی داخلی در موسسه رسانه‌ای متبوع.

– حق برخورداری از قراردادهای معتبر که ضامن حقوق مادی و معنوی او باشد.

– حق مذاکره دسته‌جمعی و دخالت در تنظیم قراردادها.

– حق برخورداری از بیمه‌های عادی و تکمیلی و بیمه‌های حوادث ناشی از کار.

– حق به‌رسمیت شناخته شدن شغل روزنامه‌نگاری به‌عنوان شغل سخت و زیان‌آور و قائل شدن شرایط ویژه بازنستستگی و کارافتادگی زودرس.

– حق دفاع از منافع جمعی روزنامه‌نگاران از طریق عضویت در انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و حق شرکت مستقل (فردی یا جمعی) در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی مرتبط با کار روزنامه‌نگاران

– حق برخورداری از آموزش‌های تخصصی و بازآموزی حرفه‌ای و شرکت در هرگونه دوره آموزشی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که به ارتقا و پیشرفت سطح کیفی فعالیت روزنامه‌نگاری کمک می‌کند.

### اصول حاکم بر مسئولیت‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

روزنامه‌نگاران باید در فعالیت‌های روزنامه‌نگاری از دست‌زدن به کارها یا انجام فعالیت‌های مغایر با شأن و وظیفه و رسالت روزنامه‌نگاری بپرهیزند و به الزامات و مسئولیت‌های حرفه‌ای خود، طبق اصول کلی اخلاق و شرافت حرفه‌ای‌شان که در همه ميثاق‌های اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران مشترک و مندرج است، پای‌بند بمانند.

اهم این اصول عبارت‌اند از:

- ۱- رعایت راستی و درستی و حقیقت‌جویی
- ۲- عایت عینیت و انطباق داشتن با واقعیت و عدم تحریف حقایق
- ۳- رعایت بی‌طرفی و رازداری
- ۴- رعایت انصاف و عدالت و شرافت حرفه‌ای
- ۵- رعایت منافع و مصالح عمومی، قبول مسئولیت و پاسخگویی به افکار عمومی
- ۶- رعایت حق پاسخگویی برای افرادی که خبر، گزارش یا مطلبی درباره‌شان نوشته می‌شود
- ۷- خودداری از واردآوردن لطمه یا صدمه جانی، مالی یا حیثیتی (افترا، تهمت، هتک حرمت) به احدی از آحاد جامعه و مقابله با ترویج هرگونه تبعیض ناروا
- ۸- خودداری از سرقت نوشته‌ها یا مطالب دیگران
- ۹- خودداری از قبول هرگونه هدیه، وجه نقد یا غیر آن که به قصد تأثیرگذارن بر نحوه انعکاس به‌گمان ما هر سندی که در ارتباط با حقوق و مسئولیت‌های روزنامه‌نگاران تنظیم و تدوین شود و اصول و حقوق مذکور در فوق در آن مغفول و مجهول مانده باشد، و نیازها و الزامات روزنامه‌نگاری امروز ما مغایرت داشته و اگر مشکلی بر مشکلات روزنامه‌نگار نیفزاید، قطعاً مشکلی از مشکلات او را رفع و حل نخواهد کرد.

توسط مقامات دولتی یا غیردولتی برای انتشار یا جلوگیری از انتشار اخبار و سایر مطالب – حق برخورداری از رسیدگی به هرگونه اتهام حرفه‌ای روزنامه‌نگار در محاکم دادگستری براساس نص صریح اصل یکصدوشصت‌وهشتم قانون اساسی.

– حق برخورداری از ابزار آزادانه عقیده و انتشار آن و پرهیز از هر آنچه خلاف اعتقادات و وجدان حرفه‌ای او است.

– حق اعتراض به هرگونه تبعیض نژادی، جنسیتی، قومی و مذهبی که مانع انجام وظایف حرفه‌ای روزنامه‌نگار شود.

– حق اجتناب از عمل به شیوه‌های مغایر با اصول استقلال و اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و خودداری موقت علنی و آشکار از کسب یا انتشار اخبار به‌صورت موردی یا کلی.

– حق اطلاع یافتن از آن دسته از تصمیمات مدیران و مسئولان موسسه‌های رسانه‌ای متبوع که بر زندگی حرفه‌ای و امنیت شغلی روزنامه‌نگار تأثیر مستقیم دارد (نظیر تعطیل یا فسخ موسسه، تغییر ترکیب اعضای تحریریه، استخدام، اخراج، انتقال یا ارتقای اعضای تحریریه).

– حق اطلاع یافتن از نحوه انتشار مطلب به‌طوری‌که با مسئولیت‌های قانونی روزنامه‌نگار تناسب داشته باشد.

– حق انتشار مطالب خود با امضای شخصی یا با نام مستعار یا بدون امضا.

– حق تشکیل و عضویت در تشکل‌های صنفی داخلی در موسسه رسانه‌ای متبوع.

– حق برخورداری از قراردادهای معتبر که ضامن حقوق مادی و معنوی او باشد.

– حق مذاکره دسته‌جمعی و دخالت در تنظیم قراردادها.

– حق برخورداری از بیمه‌های عادی و تکمیلی و بیمه‌های حوادث ناشی از کار.

– حق به‌رسمیت شناخته شدن شغل روزنامه‌نگاری به‌عنوان شغل سخت و زیان‌آور و قائل شدن شرایط ویژه بازنستستگی و کارافتادگی زودرس.

– حق دفاع از منافع جمعی روزنامه‌نگاران از طریق عضویت در انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و حق شرکت مستقل (فردی یا جمعی) در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی مرتبط با کار روزنامه‌نگاران

– حق برخورداری از آموزش‌های تخصصی و بازآموزی حرفه‌ای و شرکت در هرگونه دوره آموزشی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که به ارتقا و پیشرفت سطح کیفی فعالیت روزنامه‌نگاری کمک می‌کند.

– حق دفاع از منافع جمعی روزنامه‌نگاران از طریق عضویت در انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و حق شرکت مستقل (فردی یا جمعی) در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی مرتبط با کار روزنامه‌نگاران

– حق برخورداری از آموزش‌های تخصصی و بازآموزی حرفه‌ای و شرکت در هرگونه دوره آموزشی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که به ارتقا و پیشرفت سطح کیفی فعالیت روزنامه‌نگاری کمک می‌کند.

– حق دفاع از منافع جمعی روزنامه‌نگاران از طریق عضویت در انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و حق شرکت مستقل (فردی یا جمعی) در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی مرتبط با کار روزنامه‌نگاران

– حق برخورداری از آموزش‌های تخصصی و بازآموزی حرفه‌ای و شرکت در هرگونه دوره آموزشی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که به ارتقا و پیشرفت سطح کیفی فعالیت روزنامه‌نگاری کمک می‌کند.

## چرا با لایحه نظام رسانه‌ای مخالفیم؟

روزنامه‌نگاران و اهالی رسانه معتقدند که به سبب عدم توجه به نظرانشان در پیش‌نویس لایحه نظام رسانه‌ای، حق دارند مخالفت صد در صدی خود را با دولت و نویسندگان دولتی آن مطرح کنند



### سعید برآبادی

روزنامه‌نگار

روزنامه‌نگاران گاهی به طنز و گاه به شوکه خود را مرغ عزا و عروسی می‌دانستند، اما حالا به نظر می‌رسد که چه دولت اصولگرا سر کار باشد و چه معتدلان، برخورد با روزنامه‌نگاران و فضای رسانه‌ای کشور در اولویت قرار خواهد گرفت. این بار تأیید شرایط تلخ روزنامه‌نگاران با تلاش دولت برای به تصویر رساندن لایحه سازمان نظام رسانه جمهوری اسلامی ایران رنگ و بویی تلخ‌تر به خود گرفته. روزنامه‌نگارانی که امیدوار بودند دولت یازدهم و پس از آن منتخب مردم در بیست و نهم اردیبهشت‌ماه ۹۶، تنها نهاد صنفی آنها را پس از سال‌ها بازگشایی کند، حالا رو در روی سازمانی قرار گرفته‌اند که در صورت تأسیس، دست آنها را برای همیشه خواهد بست و در از دحام نهادهای نظارتی، حق و شخصیت روزنامه‌نگار بودن را از دست خواهد داد. هم‌زمان با جدی شدن بخش‌هایی از این لایحه و بررسی نهایی آن در هیأت دولت، روزنامه‌نگاران دست به کار شده‌اند تا این بار خود از خود و صنف خود دفاع کنند و جالب اینجاست که به همین بهانه اتحادی میان روزنامه‌نگاران جریان‌های سیاسی مختلف به راه افتاده که می‌توان آن را به فال نیک گرفت، تا جایی که اگر شمس‌الواعظین به عنوان یک روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب مخالفت خود را با این لایحه عنوان کرده، «تستیم» نیز در یادداشتی به نقد همین لایحه پرداخته است. طرف چند روز گذشته، یک گروه تلگرامی هم برای جمع‌آوری مطالب و درخواست‌ها درباره این لایحه به راه افتاده، اقدامی که به نظر می‌رسد باید از طرف نویسندگان پیش‌نویس این لایحه و به عبارت دیگر، دولت سفارش‌نهدن آن اتفاق می‌افتاد و حالا حتی معاونت مطبوعاتی هم با این انتقادهای همراهی کند در بهترین حالت، مصداق «روغن ریخته را نذر آماده کردن» است.

۱. بسیاری از مطبوعاتی‌ها کماکان در جریان این لایحه نیستند و عجیب اینجاست که قابل پیش‌نویس آن در اینترنت به راحتی قابل جست‌وجو و یافتن نیست. به همین بهانه، بخش‌های چالش‌برانگیز این لایحه را مرور کرده‌ایم، و به‌فرخور هر بخش، نظرات روشن روزنامه‌نگاران درباره عیب و ایراد آن را جویا شده‌ایم که بدون تقدم و تاخر اشاره‌ای به آن نخواهیم داشت.

۲. براساس این لایحه قرار است تشکیلاتی با عنوان «سازمان نظام» رسانه ایجاد شود. این سازمان برای صنوف مختلف کشور نامی آشناست؛ در نظام مهندسی و پزشکی کشور چنین ساز و کاری سال‌هاست مسؤلیت‌پذیری شده و به ساختار قدرت صنفی نهادهای این چنینی انجامیده است. اما پرسش اصلی روزنامه‌نگارانی که هیچ‌یک در تهیه پیش‌نویس لایحه دولت نقش نداشته‌اند از نویسندگان آن لایحه این است که آیا چنین سازمانی می‌تواند یک نهاد صنفی را نمایندگی کند.

۳. پاسخ به این پرسش چندان ساده نیست. در این لایحه، این طور آمده که پس از شکل‌گیری سازمان نظام رسانه، تنها افرادی می‌توانند در حرفه روزنامه‌نگاری اجازه فعالیت داشته باشند که پروانه خبرنگاری یا مجوز مدیریت رسانه داشته باشند. این پروانه یا مجوز چطور و از طریق چه نهادی باید اخذ شود؟ از طریق همین سازمان. به عبارت دیگر سیکل بسته‌ای که به راه افتاده این است که هیأت‌مدیره‌ای سازمان را ایجاد می‌کند و بعد همین سازمان است که به آنها اجازه داشتن یا نداشتن پروانه کار خبری را می‌دهد.

۴. حضور پررنگ دولت یکی دیگر از چالش‌های این سازمان در شرف تأسیس است. صلاحیت افراد برای حضور در هیأت‌مدیره سازمان نظام رسانه باید توسط هیأتی به تصویب برسد که عموم افراد حاضر در آن را نمایندگان نهادهای دولتی تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر اگر تا پیش از این انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران به عنوان یک نهاد صنفی، تنها براساس رأی و نظر روزنامه‌نگاران فعالیت می‌کرد، حالا سازمان نظام رسانه قرار است با ترکیبی کار خود را آغاز کند که از فیلتر یک هیأت دولتی گذشته‌اند، هیاتی که کمترین آشنایی را با واقعیت‌های دنیای

رسانه و فضای مطبوعات کشور دارد.

۵. یکی دیگر از نگرانی‌های مطبوعاتی‌ها به طور روشن به ماده ۱۲۲ لایحه اشاره دارد. براساس این ماده، هیأت مرکزی انتخابات این سازمان تنها نهادی است که می‌تواند نتیجه انتخابات هیأت‌مدیره را باطل کند. به عبارت دیگر، این ماده رسیدگی به تخلفات روزنامه‌نگاران را بر عهده مجموعه‌ای قرار داده که عموماً غیر حرفه‌ای و ناآشنا با فضای رسانه‌ای کشور هستند، تا جایی که یکی از مطبوعاتی‌های خوشنام در نقد این ماده نوشته است: «گوش مطبوعات را چه صنفی خواهد پیچاند؟ مگر می‌شود برای بیماری به یک مهندس عمران مراجعه کرد؟»

۶. بسیاری از روزنامه‌نگاران منتقد این لایحه، با انتشار اولین اخبار آن، متعجب از آن که چطور دولت روحانی دست به کار نوشتن چنین لایحه‌ای شده است به دنبال منشأ اصلی چنین نگاهی به مطبوعات گشتند و دریافتند که نخستین پیش‌نویس‌های آن، نه در دولت روحانی که در دولت احمدی‌نژاد و توسط برخی از روزنامه‌نگاران و سیاستمداران اصولگرای آن دولت نوشته شده است. در آن زمان که فضای رسانه‌ای کشور به عنوان غیر خودی‌ترین صنف فعال در عرصه سیاست و جامعه شناخته می‌شد و تندباد حوادث بعد از ۸۸ دامن روزنامه‌نگاران بسیاری را گرفته بود، نویسندگان این پیش‌نویس تمام تلاش خود را برای کنترل کردن مطبوعات از طریق ابزارها و نهادهای دولتی به خرج دادند. عجیب اما آنجایی بود که رئیس جمهوری که با شعار آزادی و حمایت از مطبوعات و بازگشایی انجمن صنفی پیروز رقابت انتخاباتی ۹۲ شد، همان پیش‌نویس را در دستور کار خود قرار داده و این چنین مثل مرغ عزا و عروسی را به روزنامه‌نگاران حقتنه کرده است.

۷. شوک فضای رسانه‌ای کشور از تدوین این لایحه و به سرانجام رسیدن آن در دولت دوازدهم با شنیدن برخی از نام‌ها در دو ماده ۱۹ و ۲۲ این لایحه بیشتر می‌شود، آنجا که مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، رئیس دادگستری استان، مدیر کل سازمان صداوسیما استان، بازرس سازمان و نماینده مدیران مسئول استان، نمایندگان دادستان کل و یک قاضی بازنشسته، یک نماینده از هیأت نظارت بر مطبوعات و یک نماینده از شورای عالی سازمان برای تأیید صلاحیت اعضا و تأیید انتخابات تعیین شده‌اند. در حالی که این دولت قرار بود کار را به متخصصان امور بسپارد و به گونه‌ای تخصص‌محور عمل کند.

۸. به نظر می‌رسد که در شرایط فعلی نبود یک نظام صنفی تنها دلیل نبود یک اعتراض دسته‌جمعی و فراگیر به چنین لایحه‌ای است. روزنامه‌نگاران در طول سال‌های گذشته، برای بازگشایی بسیاری از نهادهای صنفی و مدنی از دل و جان مایه گذاشته‌اند، اما امروز در برابر بدترین تاریخ مطبوعات ایران حتی از همراهی معاونت مطبوعاتی وزیر ارشاد و یاری‌رسانی نمایندگان مجلس هم ناامیدند. فرض گرفتن حمایت از کمسیون فرهنگ مجلس برای عدم تصویب این لایحه نیز فرضی محال است، چرا که در بهترین حالت این لایحه می‌تواند با کمترین چالش در چنین کمیسیونی رأی مثبت بگیرد. آن هم با قبول کردن این واقعیت که از نمایندگانی سخن می‌گوییم که انتشار عکس‌های میوه خوردن خود را در مجلس برناتفتند! بنابراین تنها امید روزنامه‌نگاران برای مقابله با این لایحه، تلاش مزبوحانه‌ای است که از طریق شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود و در خواست همراهی از چهره‌هایی که ممکن است با آقای روحانی در ارتباط باشند و به او از واقعیت‌های این لایحه بگویند، واقعیت‌هایی که شاید حتی خود او در جریان آنها نباشد و اطرافیانش چندان تمایلی برای توضیح آنها نداشته باشند. آخرین راهکار اما همچنان مقابله مدنی با این لایحه حتی به قیمت یک روز تعطیلی کل روزنامه‌ها و مجلات کشور است؛ شاید این طور روشن شود که ما چه می‌خواهیم، از چه سخن می‌گوییم و تا چه میزان به قوانین رسمی و مكتوب کشور پایبند هستیم، اما در برابر این میزان تعهد چه وظایفی را بر گردن دولت می‌بینیم تا از رکن چهارم دموکراسی دفاع کند.

### انرا انگشت



مجلس

جامعه فردا

سارا غضنفری

عکس

خبر آنلاین



### دریچه

## خانه ویران دوروزنامه‌نگار تاریخ‌ساز



**جامعه فردا:** داستان صوراسرافیل و ملک‌المتکلمین از غمگین‌ترین داستان‌های تاریخ معاصر است؛ داستانی که فقط در بطن روزنامه‌نگاری ایران رقم نمی‌خورد، بلکه حکایت از سرنوشت تلخی دارد که بزرگان روزنامه‌نگاری در ایران در طول نزدیک به ۱۸۰ سال که از تاریخ ورود مطبوعات به کشور می‌گذرد، در حال مبارزه با آن بوده و در این فقره به خصوص در نهایت به آن مبتلا شده‌اند. سرمداران مشروطیت، میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل و ملک‌المتکلمین دو روزنامه‌نگار مشروطه‌خواه توسط نیروهای هوادار محمدعلی‌شاه به قتل رسیدند. می‌گویند قتل‌شان به‌اندازه‌ای فجیع بود که جسدشان را فراق‌ها از شهر خارج کردند و بعد از بیرون رفتن از باغ‌شاه در خندقی پرتاب کردند تا خاک‌بگیرد گناه‌شان را و پنهان بماند از چشم مردم وحشت زده آن روزگار.

در تاریکی یکی از همان شب‌ها که آرامش تا حدودی به تهران بازگشته بود، گروهی از دوستان میرزا جهانگیر خان و ملک‌المتکلمین دست به دست هم دادند تا جنازه‌ها را در آن خندق پنهان کنند و این اتفاق افتاد. آنها بیست دیوارهای باغ‌شاه که خارج از امپراتوری پادشاهان مسلط به تهران بود، گور ساده‌ای حفر کردند و شبانه آن دورا به خاک سپردند. تا سال‌ها کسی نمی‌دانست که این دو قبر، در تهران امروزی کجاست. کسی نمی‌دانست که آن سوی خیابان کمالی و در پشت بیمارستان لقمان، خانه کوچکی قرار دارد که مقبره این دو شهیر عالم مطبوعات در آنجا پنهان شده است. ایرانیان پنهان شده تا از گردن‌بادهای پاران در امان بمانند و قبور ویرانه‌شان از این ویران تر نشود.

از میان اعضای شورای شهر، احمدمسجدجامعی که سابقه حضور در وزارت ارشاد داشته و زلفی با اهالی فرهنگ کرده‌زده، یکی دوبار به دیدار این خانه و قبرهای آن دورفته و هر بار هم قول‌هایی برای مرمت و بازسازی آرامگاه پدران مطبوعات معاصر ایران رد و بدل شده، اما بازدهی که عصر چهارشنبه اتفاق افتاد در نوع خود متفاوت بود.

متفاوت از این دریچه که به نظر می‌رسد این عضو شورای شهر نیز خود از نتیجه ماندن دیدارهای قبلی، نگران است؛ نگران است که آخرین نشانه‌های حضور این دو روزنامه‌نگار در پایتخت امروز ایران از بین برود. خبر است که این قبوس در آنها واقع شده، ویرانه‌تر از سال‌های قبل شده، مستفق‌ها در آستانه فرو ریختن هستند و دیوارهای دیگری نای ایستادگی ندارند. سنگ قبرهایی که بعد از استبداد صغیر عاشقان ملک‌المتکلمین و صوراسرافیل بر بالای آرامگاه‌های آنها نصب کردند در بدترین وضعیت خود قرار گرفته و کارد گویی در حال رسیدن به استخوان است. توصیف مسجدجامعی از این بنا که در ۸۳ به ثبت ملی رسیده، دلیل این نگرانی‌ها را روشن‌تر می‌کند: «چندسال پیش که اینجا آدمم

زیرزمینی بود و ستون‌های آرامگاه هنوز استوار بود و والان زیرزمین خراب شده و ستون‌ها هم در حال فرو ریختن است و من نگرانم این ستون‌ها راهم که اثر هنری هستند، ببرند.»

ملکی که این دو آرامگاه در آن قرار گرفته، شخصی است، اما رئیس بیمارستان لقمان قول داده در صورت حل و فصل مسائل حقوقی آن، هزینه‌های بازسازی‌اش را بپردازد و اگر آن طور که مسجدجامعی گفته «تغییر رویکرد مدیریت شهری» و اتفاقا جدی باشد، بعید نیست که با بازسازی آن، موزه‌ای یا کتابخانه‌ای در کوچه بیمارستان لقمان، جای خرابه فعلی را بگیرد. در خلا همین بازدید بود که مسجدجامعی خاطرهای از مجسمه‌نصب‌شده ملک‌المتکلمین در میدان حسن آباد آن روزها نقل کرد که می‌تواند جایگاه و اهمیت بازسازی این خانه را روشن‌تر کند: «در روزهای مشروطه مردم گلی پای این مجسمه می‌گذاشتند و با این کار جایگاه روزنامه‌نگاری و اهمیت آزادی‌خواهی را در جامعه باادور می‌شدند.» حالا نه فقط قبرهای این دوروزنامه‌نگار در شرایط بدی قرار دارند بلکه به گفته مسجدجامعی آن مجسمه از رشنم‌نیز که اثر ابوالحسن‌خان صدیقی بوده هم در هیاهوی شهر گم شده است.